

# علم مؤثرنامه

دویم در نامبر ماه فرانسه ۱۲۷۵ هجری  
هر کس اخبار و اطلاعات علمی بداد الطباعه  
معا یونی بفرستد درین روز نامر باسم  
خود او نوشته خواهد شد

## متعلق بعلت طبت

دکتر بروس دوائی نهایت مختصر و نافع برای نوبه و تب پیدا  
نموده و آن هیچ نیست مگر نمک متعارفی خوراکی که باید از انقوی  
نرم کوبید و در یک کوزه پاکیزه با جزئی حرارت آتش بوداد تا وقتیکه  
رنک آن مثل رنک قهوه بوداده شود و از برای کسانیکه از سن طفولت  
خارج شده باشند و بسن حساسی رسیده مقدار این دوا یک قاشق  
که در یک استیکان آب گرم حل کرده و شخص مریض انرا بکرتب بخورد  
و اگر نوبه و تب در هر دو پاسه با چهار روز بکرتبه ظاهر شود باید  
نمک مذکور را صبح زود و ناشتا بعد از روزی که نوبه و تب غرض  
شده است بخورد و اگر بعد از خوردن این نمک قشکی زود آرد  
شود باید آب بخورد و اگر عطش بدوجه رسد که مریض نتواند  
خود داری کند درین صورت همین قدر اجازه دارد که قدری  
آب بواسطه پرگاه بکند نیز شرط عمدت دیگر اینست که بعد از  
خوردن نمک مزبور شخص مریض تا چهل و هشت ساعت هیچ نبات  
بخورد مگر آب گوشت با مرغ با جوجه

## معالجه مفیده

در بعضی از روز نامجات فرنگستان نوشته اند پیر مردیکه مستحفظ  
و پاسنان جنکل و موسوم بگنیل بوده در هشتاد و دو سالگی  
وفات نموده در مرض موت خود افشای سرنخی مینماید که پیشتر  
از استور میداشته است و آن بان دوا و علاجی است بنا بر  
اظهار و عقیده او زاید الوصف مفید بحال اشخاصی که آنها را سگ  
دیوانه گرفته باشد و آن مداوا و معالجه اینست که اول باید زخم  
جای دندان سگ را با سرکه انکور متعارفی گرم کرده مخلوط با آب  
شست بعد زخم را پاک و خشک کرد و چند قطره اسپه بدر  
مخلوط با کلتر روی زخم چکانند شخص مریض بحمین دوا و نیک  
علاج میشود و شفا مینماید پیر مزبور گفته است که من خود  
بارها امتحان کرده ام و ازین معالجه نتایج حسنه و فواید  
کلیه دیده ام

## بقیه صحبت های طبیعی و هیتک

ترجمه میرزا کاظم معلم علم طبیعی و شیمی

کاظم سبب اینکه هر قدر چابکسواری که بطور دایره اسکب  
مبتازد و سر بعت حرکت کند در خود احساس مینماید که از مرکز  
آن دایره رانده میشود و استعدادی پیدا میکند که از محیط  
آن تجاوز نمودن بخارج بیفتد و برای اینکه بواسطه وزن بدن  
خود رفع این قوت را بکنند و بخارج بیفتند سوار هامبل  
باندرون دایره میکنند بلکه اسبها هم لایع شعور بطرف  
داخل ان منحرف میشوند و خود را بر مرکز نزدیک تر میکنند و در  
حکمت طبیعی مسئله اینست مسلم که هر جسمی که حرکت دورانی میکند  
احداث قوتی مینماید که انقویت انرا از ان مرکزی که دور ان حرکت  
میکند دور مینماید و این قوت را قوه گریزان از مرکز گویند باید  
ملفتف شده باشد که هر وقت چرخ بچرخند و حرکت دورانی میکنند  
سر کج میشوند و قوتی پیدا میشود سبب اینست که انوقت با مرکز  
حرکت دوری میشود و خون و سایر تنبالات بدن میل بخارج از دایره  
میکند و ناچار بر مغز و قلب پیش از اندازه وارد میشود و موجب  
کجی و برهم خوردگی مزاج میشوند و این تجربه انسان را خودتان  
میتوانید بکنید بیکارچه سنگ با چوب را ببرید بد بیک رینگانه  
و سرد بگردانید در دست بگیرد و دور سر خود بچرخانید و  
ملاحظه کنید هر قدر ان جسم معلق سنگین تر و سرعت حرکت ان  
بیشتر باشد رشته نخ کشیده تر و بلند تر میشود یعنی ان جسم  
معلق از مرکز حرکت دوری که دست شماست دور تر میشود بلکه  
کار بجانیه برسد که در پستان تاب مقاومت نیاورده پاره میشود  
و ان سنگ با چوب دور میافتد

تجربه دیگر یک شیشه کلابی را پر آب کنید و از نخ بیاورید  
و نخ را دور دست بگردانید و در شیشه را بندید بچرخانید  
از ان نخواهد ریخت و آن تجربه که تازه رسم شده است بان آتش  
میان فردزند و هر روز همه میبینید و عبادت ان تجربه مفیده

معلق بکمرشته مفتول دیگر که در آن پنجه آتش کم و زغال میاندازد  
 و رشته مفتول را دور دست میچرخانند زغال و آتش نمهر بزند و  
 افزوده میشوند سبب زنجیر آتش و زغال همین قوه کریان از  
 مرکز است علاوه بر این یک استیکانی را پر از آب کنید و انرا در  
 طرف داخل کمر غریبی قرار دهید و غریب را میچرخانند آب بخواند  
 ریخت و ازین گونه تجارب بسیار است همین قدر بدانند که  
 اغلب اوقات قوه کریان از مرکز مقاومت و ضدتیب پیدا میکنند  
 باقوت ثقل و عنقریب در ذکر حرکت کواکب از آن بشما اشاره  
 خواهم کرد

بقیه در فرجه ایته  
**فایده عجمه**

در روزنامه ها علی فرنگستان دستور العمل مختصری بجهت  
 حفظ چشم نوشته اند که شرح آن از قرار ذیل است  
 اشخاصی که مجبور بکار کردن زیاد از قبیل خواندن و نوشتن  
 دائمی هستند و شغل آنها باعث ضعف بصر و کی باصره است  
 آنکه محافظت و معاونتی بچشم خود نمایند بهتر است که در  
 اطاق خنک کار بکنند و پاهای خود را گرم نگاهدارند و روشتنا  
 باید خیلی باشد ولی نور و روشنایی نباید جلو شخص کارکن باشد  
 بلکه از طرف دیگر یعنی از پهلو یا پشت سر باشد همچنین باید  
 مواظب باشد که روشنایی افتاب بجز مستقیم روی کار او  
 نیفتد حالت و موضع کاغذ یا کتاب باید با صورت شخص نویسنده  
 یا خواننده در یک خط عمودی واقع باشد و مسافت مابین چشم  
 و کاغذ و کتاب بقدر پنج گره باشد صبح زود در پای چراغ کار  
 کردن مضرات نیز در حالتی که دراز کشیده باشد کار کردن  
 ضرر دارد و مخصوصاً باید در اوقات و ساعات بین طلوع و  
 و نزدیک غروب که بعد از عصر باشد و هوای تارک تارک است  
 ندر روشن روشن از کار کردن اجتناب نمایند آخر الامر اشخاصی که  
 لابد و ناچار از کار کردن زیاد هستند و مقام و مستدام مشغول  
 نوشتن یا خواندن یا نظر کردن باشنا بسیار خورد و ریزه هستند  
 علاوه بر رعایت شرایط مزبوره و احتیاط کامل کاغذها باید دست  
 از کار بکشند و بگذاردند قدری چشم راحت و استراحت یابند

**معالجه مپیگ**

دکتر کریم برای کلودر معروف بخناق علاج و دوائی بسیار با  
 منفعتی انکشاف کرده و از روی تجربه و امتحان معلوم نموده است

وان دوامتک متعارفست که طلا (یعنی مایل بدن محلول آن)  
 و غرغره کردن آن بلکه فوت کردن آن در کلو موجب ذوالارض  
 و عود صحت است در وقتیکه هنوز غشای لوزتین برآمدگی جسم  
 نرسانند محلول آب و نمک بسیار باقوت بکار برند با این معنی که  
 انقدر نمک در آب حل کنند که دیگر نمک در آب حل نشود آنوقت  
 از آن محلول با قلم مو در کلو بمالند یعنی نه همین در روی محل  
 که مبتلا و مریض است بمالند بلکه ازین محلول بوضع مزبور تمام کلو  
 برسانند هر قدر که غشا که شد نمک محلول را زیاد کنند و اگر غشا  
 بیشتر شد قدر نمک را افزون نمایند از ابتدای ناخوشی باید در  
 هر دو ساعت یا سه ساعت بکمرته مالید و هر چه بیشتر بمالند غشا  
 زودتر بر طرف میشود و در بین دفعات مایل بدن شخص مریض هر  
 پانزده دقیقه یا نیم ساعت بکمرته باید با آب نمک غرغره کند بلکه  
 قدوی هم از آب نمک فرورد اما از برای اطفال که نمیتوانند  
 غرغری کنند حکیم مزبور بوله معروف بلوله ذبکله را بکار میبرد

**اختر ایات عجیبه**

در روزنامه نیکی دنیا شرحی از یک قسم کالسکه که بواسطه هوای  
 فشرده شده حرکت مینماید نوشته اند و تفصیل آن از قرار ذیل است  
 شکل و ترکیب ظاهری این کالسکه با کالسکه های راه آهن اسبی فرقی  
 و تفاوتی ندارد و ممکن است باراده و میل هر وقت راه انرا تغییر  
 دهند با انرا نگاهدارند آلت محرکی در میان محورهای چرخها  
 این کالسکه قرار داده اند و آن آلت مرکب از شش انبار لوله مانند  
 که بواسطه آلت دیگر که در منزلگاه عمده قرار داده اند ملواری  
 هوای فشرده شده میشوند و هوای فشرده شده که بجهت طی است  
 میل مسافت لازم است ممکن است در یک دقیقه داخل لوله ها  
 نمود سرعت حرکت این کالسکه ساعتی نه میل است ولی شخص  
 مخترع متعهد است که سرعت آن ساعتی بچهل و هشت کیلومتر  
 یعنی سرعت کالسکه های متعارفی راههای آهن بخار برسانند

در روزنامه های پاریس مقضی از امتحان و تجربه غریب متعاقباً  
 (تلگراف صوتی)  
 مبلغن مسطور است و آن اینست که یکی از اجزای آکادمی موسو  
 بد بوئیل در حضور جمعی از روزنامه نگاران و صاحبان علم  
 و فضل بن کتابچه کاغذیست را برداشته لای آنها و رقیهای آنرا

از قلع گذارده بعد ها انرا بلبک سپم وصل با تلفن که در یکی از اطرافها  
 دوردست بوده نموده و بعد از این کارهای مختصر فوری مسر  
 دبو منسل از یکی حضار خواش میکند که تصنیفی با اوازی  
 در تلفن بخواند ان شخص در اطاق تلفن رفته و خواش مسبو  
 دبو منسل را بعمل میآورد با اینکه در اطاقه که کتابچه مزبوره بود  
 حضار جمیعاً سکوت داشته کتابچه بصدای بلند انسانی بلکه  
 شدید تر و واضح تر از صدای انسان همان تصنیف را خوانده است  
 و موجب حیرت و کمال تعجب حاضرین شده اقرار کرده اند که تا کون  
 هیچ تلفنی با این خوبی حرف نزده است تقریباً این امتحان را در  
 مکرر کرده اند و از اول تا اخر جمیع حضار دست زده و مرجعاً و  
 آفرین گفته اند مخترع این اختراع جدید یکی از صاحبان  
 بحری دولت فرانسه و موسوم بپلار است

### بقیه اخبار جغرافیا و هیئت

امیرزاده سلطان محمد میرزا ولد مرحوم عماد الدوله  
 شایع است در بیشتر ممالک فرنگ علومیکه متعلق است بزبان  
 و معرفت لغت های قدیمه مانند لغت عربی و یونانی و لاتین و اغلب  
 کتابهای ایشان بان لغت است و شدیداً است حرم آنها بفرانسیز  
 لغت های مختلفه خصوصاً زبان فرانسه و فوت نمیشود از ایشان  
 هیچ علمی و صنعتی که دارا باشند انرا قومی و طایفه دیگر زبیرا که  
 آنچه در هر شهری تصنیف و تالیف شود ترجمه نمایند انرا دیگر  
 و وسیع است باب تصنیف و تالیف در اروپا و حیثیت اصل و  
 نقل از لغتی بلغت دیگر و این توسعه در علوم بعد از اختراع و  
 انتشار صنعت طبع شد لهذا یافت میشود در هر عصری از مستغنی  
 و مولفین جمع کثیری بلکه کرده است باب عظیمی از برای کتب  
 مال و تجارت و نیز وقوع عظیم دارد در دلهای آنها حکمت طبیعی و  
 ریاضی و فرود آمده اند از محل بلند توی و فرورفته اند در نظم  
 و اسلوب تازه و اکثراً نموده اند از منطق و متروک داشته اند الهی  
 بملت کمان آنها که استدلال بر صنایع جلی و فطری انسان است و  
 نسبت منطق بمقولات مانند نسبت نحو و عروض است بکلام  
 کم است که خطا کند کسی که عطا شده باشد سلبقه مستقیمه را  
 و اشخاصیکه هم فاقد آن باشند البته نفع نبخشند او را تفصیل  
 قانونها نیز و جناب باری جل شاناه و عظمت قدرته را هم نمیرسند

بکده ذاتش و حقیقت صفاتش عقول قاصره پس بی نیاز نمی کند  
 علم اشرا که نیست مکرظن محض در باب تحصیل معرفت حق تعالی  
 اصلاً و الله در القائل (بفکرت این ره نمیشود طی) وجه بسیار  
 مطابق است این عقیده و مذهب با آنچه ائمه علیهم السلام فرموده اند  
 وان الی ربك المنتهی فاذا استھی الکلام الی الله فانها و همچنین  
 میفرمایند تکلموا فی خلق الله ولا تکلموا فی الله فان الکلام فی  
 الله لا یزاد صاحبه الا یجرا و الحق عقول قاصره و او هام ناقصه  
 فهم این قضیه معضله و حل این مسئله مشکله را کی تواند نامد  
 و اگر بنظر تامل نگاه کنند در آنچه بان جواب فرموده اند معصوم  
 سائلی را که عرض میکند (اخبرنی عن ربک متی کان) فقال علی بن  
 و بک اما بقال لشیء لم یکن متی کان ان ربی تبارک و تعالی کان و  
 لم یزل حتی بلا کیف و لم یکن له کان ولا کان لکونه کون کیف ولا  
 کان له این ولا کان فی شیء ولا کان علی شیء ولا ابتدع لمکان مکانا  
 ولا قوی بعد ما کون الاشیا. ولا کان صنعفا قبل ان یکون شیئا  
 ولا کان مستوعفاً قبل ان یتدع شیئا ولا یشیه شیئاً مذکوراً ولا  
 کان خلواً من الملك قبل انشائه ولا یکون منه خلواً بعد ذهابه  
 و لم یزل حتی بلا جوق و ملکاً قادراً قبل ان یتشی شیئاً و ملکاً جباراً  
 بعد انشائه للکون فلیس لکونه کیف ولا له این ولا له حد ولا  
 یعرف بشئی بشیهه ولا یهزم لطول البقاء ولا یصعق لشیء بل  
 بخوفه تصعق الاشیا. کلها کان حتی بلا جوق حادثه ولا کون مؤثراً  
 ولا کیف محدود ولا این موقوف علیه ولا مکاناً جاد و شیئاً بل حتی  
 یعرف و ملک لم یزل له القدره و الملك انشاء ما شاء حین شاء بمشیهه  
 ولا یحد ولا یبعض ولا یغنی کان اولاً بلا کیف و یکون اخر اً بلا این و  
 کل شیء هالک الا وجهه له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین  
 (و بک التائل) ان ربی لا یشاء الا وفام ولا تنزل به الشیئات  
 ولا یجاد من شیء ولا یجاوزه شیء ولا تنزل به الاحداث ولا یبال  
 عن شیء ولا یبدم علی شیء ولا تاخذ سنه ولا نوم له ما فی السموات  
 و ما بینهما و ما تحت الثری

### بقیه اخبار میرزا نصر الله حکیمباشی

درم عده کوپر اولاً باید دانست که غده کوپر عبارتست از دروغه  
 فرزندیک که بمخازات بکد بگرد و طرفین اصل قضیب و قتمت غشای  
 میرای بول در قدام غده و ذی واقعند و هر یک صاحب مجرای  
 هستند

مورب که رطوبت مترشحه از آنها از مخاط جدار مجری عبود  
 نموده پیش از اصل قضیب داخل مجری شود و این غده در مردان  
 بقدر نخورد است و در اکثر حیوانات پستاندار جم آنها بعضی  
 اوقات از غده و ذی بزرگتر باشد  
 بدانکه بندرت این دو غده معاً متورم شوند و عموماً غده جانب  
 بنار به تنهایی متورم شود و غده جانب بنار این استعداد بیشتر از  
 پهن است و علامت آن وجعی است شدید در عجان که از لس و  
 اصطکاک شلوار از دپاد پذیرد و برآمدگی بدون تغییر لون پدید  
 آید و از لس بک ماده در عمق احناس شود بعضی شکل که قاعده آن بجانب  
 مقعد و نقطه اش باصل قضیب است و حجم این برآمدگی از بک لوبیا  
 الی نصف گرد است و موضع اش در طرفین خط وسط است و متدجا  
 ورم از دپاد پذیرفته از غده تجاوز کند و بجلد سرت نماید و نرم  
 شود و رنگ جلد قرمز گردد و اغلب بواسطه اشتداد ورم مجری  
 تنگ شده حبس البول رخ نماید و برخی را عقیده است که حبس  
 البول ورم عنق <sup>بواسطه</sup> مثانه و غشاء مخاط جوف است

اما ورم بیضتین بدانکه اغلب اوقات در سوزنک بیضتین متورم  
 شوند و عوام چنین دانند و گویند که سوزنک بیضه ریخته و  
 این ورم اغلب در اوخر مرتب هنگامیکه ورم بسیار کم ترشح نماید  
 بروز کند و سبب انورم بیوست مزاج و صدمه خارجی و حرکت  
 و بیستن بیضه بیابا بواسطه دستمال یا استیانی که از آن بفرانسه  
 سوس پان سوار نامند و سبب ورم بیضه بیشتر بواسطه رسیدن  
 ورم مجرای بعضی است و عقیده مسطور بکراستکه بیضه چپ بیشتر  
 از بیضه راست مبتلا بوزرم گردد و سرت ورم از مجرای بول به  
 بیضه گاه مجهول است و گاه بواسطه انتشار ورم است که از مجری  
 با نتاج مجاور نشر نموده تا به بیضه رسد و اغلب ورم در بیضه بیضه  
 و عموماً یکی از بیضتین مبتلا شوند و باشد که هر دو مبتلا گردند  
 اعتم از آنکه ابتلای هر دو بک دفعه باشد تا بوالی ولی بسیار  
 نادر است که ورم دفعه ارسمتی سمت دیگر انتقال نماید

بقیه در ذمه آیه

بقیه اخبار حفظ صحیح میرزا ابوالحسن حکیمباشی  
 کشکشان مبارک

اما مواد چربی مخصوصاً عبارتست از آلبین و مرغارین و کلسترین  
 سفید تخم و وثک تمام وزن تخم و محفوظ در شبکه غشائی شفاف

بسیار رقیق است که باو شکل ژلاتینی رامیدهد و برای حمل نمودن  
 سفید تخم در آب مینباید پرده او را پاره نموده و در آب برهم زنند  
 در سفید تخم در ۱۰۰ جزء ۱۲ یا ۱۴ اجزاء البوبین سلیاست و بقیه اش  
 آب و املاح مینباید زرده تخم ثلث وزن آن است و حاصل کرده  
 از مواد چربی مذکوره که مخلوطند با ویلین و نیز دارای مقدار قلی  
 از آب و املاح است

شیر حیوانات و شیر زمان در ۱۰۰ جزء ۸۰ الی ۹۰ جزء آب دارد و در آن  
 ماده از ته که گزینین یعنی جبیت باشد و ماده چربی که عبارت از  
 کره است و ماده قندی مخصوصی که قند شیر مینامند و املاح مختلفه  
 نیز مینباشند

ماکولات بنای بسیار متعارف منشر عبارتند از در حیوانات مانند  
 کدم و سگل و شعر و برنج و زرت و کندم سبزه و بعضی دیگر از آرد ما  
 که گرفته میشوند از نباتات مانند آرد سیب زمینی و غیره و بقولات مانند  
 لوبیا و نخود و عدس و باقلا و سیب زمینی و علمهای بوستانی چون کلم  
 و کلم کل و زردک و چقندر و کاهو و مارچوبه و کنگر فرنگی و کرفس و  
 سبزیهای مخصوص مانند حاص و کاسنی و اسفناج و صبه و جات باشم  
 و تخم دار و غیره در آرد حیوانات مقداری از آب و مواد آله از ته مانند  
 گلوتن که جزء عمده مواد از ته را حاصل میکنند و همچنین البوبین و کازین  
 و مواد آله غیر از ته مانند نشاسته و سلولوز و دکترین و گلیکوز  
 مواد چربی و املاح معدنی مینباشند  
 کذمه سخت بیشتر از کذمه است ارای گلوتن و مواد از ته اند لوح  
 ایند موافق تجزیه پاتن صاحب ظاهر مینباید ترکیب متوسط کذمه  
 بمالک مختلفه را بقیه در ذمه آیه

### اعلان

کتابچه موسوم بمشاعر منتخب از اشعار شیخ و خواجیه و بعضی  
 شعاری معروف دیگر بجلاوه ترکیب بند برده که نزد مدح بندهکان  
 اعلی حضرت اقدس شاهنشاه خسرو صاحبقران خلا الله تعالی ملکه  
 که نیز ممد مشاعر است با مختصر علمی در معرفت کره ارض و شمسی قمر  
 مختوم بقصید مرحوم حکیم قافی در مرثیه جناب خاسن ال عبا علیه السلام  
 بکثر ارباب کمال صحت امتیاز بطبع رسیده بجهت تشویق اطفال در  
 نمودن اشعار بسیار نافع است بجهت اطلاع طالبین اعلان میشود در سای  
 امین الملک در حجره حاجی غلامرضا کتابفروش جلدی ده شاهی بفرش  
 محمد حسن